جرم سیاسی و تقسیم‌بندی حد - تعزیز

رجیم نوبهار

چکیده
در فقه جزایی اسلام که بر مبنای تقسیم‌بندی حد تعزیز است این اعتقاد وجود دارد که جرم حذفی بر نمی‌توان به عنوان جرم سیاسی شناسایی کرد؛ زیرا شناسایی جرمی به عنوان سیاسی به معنای پدیدارِ مرتبطی از تخفیف و معنایی در جناد و جوون کودک اساسِ گذاری دارد که با تبعیض کیفی‌های حذفی ضروری یا ندارد. این مفهوم با واکاوی دیدگاه این دیدگاه، آنها را برای نمی‌توان جرم حذفی سیاسی کافی نمی‌داند. استناده مفهوم بر این است که دستگاه بخشی از جرایم حذفی را که به نجات ماهیت و طبع می‌توانند به انتهای سیاسی از کتاببانی، می‌توان به عنوان جرم سیاسی قلمداد کرد. باید معنی‌پذیری که مفهوم ارائه‌دهنده کلید قوانین مشابه روز و در مجموعه صرفاً به‌خود بگذارند از نظرهای سیاسی در ترسیم نمایند جد تعزیز و تفکیک جرم بین از مجازاتِ از منابع به‌توخو مورد توجه قبیله‌بان بوده است. می‌توان این ایده را برای شناسایی جرم سیاسی نه فقط در تعزیرات که در حدود هم توسعه داد.

کلیدواژه‌ها:
فقه جزایی، حد تعزیر، جرم سیاسی.

Email: r-nobaoar@sbu.ac.ir
درآمد

در جریان اجرای فقه جزایی اسلام در جمهوری اسلامی ایران و ترسيم نظام جرایم و مجازات‌ها در قالب تفسیر و تزییب جهت تعریف، گاهی این‌گونه مطرح شده‌که جرایم مستوجب حد را نمی‌توان به غیر از نظر جرم سیاسی ویژه خاصی نتیجه‌گیری کرد. به دلیل اینکه تأکید قضایی به جرم سیاسی، جرایم مستوجب حد را نمی‌توان به طور به‌طور معمول در قانون انجام نیافت و در این‌جا، ما مطالعه‌ی این قضایی را در نظر می‌گیریم.

در صورت تصویب قانون جرم سیاسی در ایران، دور نیست که این انواع را شناسایی نمود، خود بگیرد.

در حال و هوای اسلامی، به دیدگاه رایج در باره مفهوم حد و تفسیر ویژه‌ای حداکثر تعریف، این تلقی در باره جرم سیاسی قابل درک است. این‌طور معلوم می‌شود که در حضور چهار نویسنده، به دو شکل می‌تواند از این‌جا بازخوانی و تفسیر شود: اما به قلم خلاصه، این تفسیرات محدود می‌شوند و به حدود چهار نویسنده تعلق می‌گیرد.

که کیفیت‌های جدی با گذشت زمان از رویدادهای اخلاقی و تجربه‌ای خود، جامعیت و تفاوت از آن‌ها و اندازه‌ی تجربی بارور می‌شود. در نتیجه، نظام‌گذاری جدی - تعزیز هره جهت افتراقی شود.

بررسی اصل این مقاله این است که چه نمی‌توان دیکه‌ی که جرم مستوجب حد و جرم سیاسی باشد، ای ابتدالها هر نوع تعریف عدم پذیرش جرم سیاسی در حضور اناندا کافی قانع کننداند؟

بنابراین به‌صورت جمهوری اسلامی مفهوم جرم سیاسی، دیدگاه‌های اسلامی در زمینه شناسایی جرم سیاسی و ارائه طوری می‌گردد. اگر گاهی به روش تحلیلی به تعریف و نقد دیدگاه‌ها می‌پردازد که جرم سیاسی را در قلمرو جرایم حدی به رسمیت می‌شناسد.
1. مفهوم جرم سیاسی

حقوق بین‌الملل مطرح مشخصی از جرم سیاسی به دست نداده است. در میان کشورها نیز که با یگان سازی حقوق بین‌الملل انضمام و واقعی نسبت به مفهوم سیاسی وجود ندارد. از جمله موانع فراوری تعیین جرم سیاسی انتقالی به خالقان خود بدهد. البته فرهنگ بودن امر سیاسی را از دیگر موانع شکل‌گیری وحدت نظری پیرامون جرم سیاسی یک مجموعه‌داند. این در حال است که در پری خویش واند می‌بحث یک فرهنگی می‌تواند بیان‌دهد که برای تعریف جرم سیاسی و تفکیک از باهنر و وجود دارد. به‌ویژه هکومیسیون کاراکس یا جزیی سیاسی مورد تعقیب قرار گرفته باشد. ادعا یک فرهنگی به کسی که برای جرم سیاسی مورد تعقیب قرار گرفته یا محکوم شده باشد، مجاز نیست. در باره اینکه آیا یکی جرم سیاسی می‌تواند باهنر قلمداد شود یا نه؟ به عنوان انتخاب شکسته در خواست کننده، دیدگاه‌های سیاسی‌اند، انتخاب شد در عملی که مربوط شده است، طبیعت عمل ارتباطی، ماهیت و ارتباط تحقیق و ماهیت قانونی که تعیین بر اساس آن صورت می‌گیرد، توجه می‌شود. کمیسیون ایرانی باهنر یک فرهنگی جرم سیاسی به مبنا انگریزه و ایفای جرم به دلیل یک انگریزه مذقیه سیاسی صورت گرفته باشد نیز در برابر ارتباط جرم به دلایل مقامه متخصص‌اش - توجه کرده است. همچنین با این شیوه محتوی می‌باشد، بایستی یکی بودن عملی مستقیم که جرم ارتباطی و مقاصد و اهداف مورد نظر وجود داشته باشد. به نظر این مرحله همچنین جنبه سیاسی عمل پاید بر خصوصیت عادی آن غالب به شمار نمی‌آید.

از دیگر نهادهای بین‌المللی که درصد تینی جرم سیاسی از امده، کمیته حقوق بشر می‌باشد. این کمیته در تفسیری که نسبت به ماده مشتمل می‌باشد بین‌المللی حقوق

1 مصطفی محمد فریزی: مفاهیم جرم سیاسی در حقوق بین‌الملل و حقوق انسانی، خرید چاپ و مشارکت اجرای قانون اساسی، به‌کوشش: حسن مهری، خلع 3 (تهران: مؤسسه الاطلاعات، 1368)، صص. 185-198.
2 همان.
4 Ibid
7. Ibid, 189.
8 مصطفی محمد فریزی: مفاهیم جرم سیاسی در حقوق بین‌الملل و حقوق انسانی، خرید چاپ و مشارکت اجرای قانون اساسی، به‌کوشش: حسن مهری، خلع 3 (تهران: مؤسسه الاطلاعات، 1368)، صص. 185-198.
مدینی - سیاسی دانشگاهی بی‌ آنکه به تعیین جرم سیاسی بپردازد، جرم سیاسی را از شمول مهم‌ترین و جدی‌ترین جرایم است، که از آن جرایم بر اساس ماده یک کانوآنیون 1951 پانزدهمگان، پانزدهمگان کمی انتظار کرده است که ترس موجه از تحقیق، به دلیل نزدیکی مذهبی دیدگاه والی ویا عضویت در یک گروه اجتماعی خاص داشته باشد. عقیده سیاسی به گونه‌ای مختلف تفسیر و تغییر شده است. گاه عقیده سیاسی را دیدگاه سیاسی دانستند. برحکم اظهارنظر و بیان دیدگاه سیاسی - جدای از عقیده سیاسی - را هم می‌شناسند. عقیده سیاسی دانستند.

به لحاظ عمیقی در سطح ملی نیز همچنان به تیپی چجی رسمی تماشا هستند. درست است که در بخش کشورها به دلیل عوامل نظم های منصفه در تقریبا تمام ماحکم کیفی و تناسبی های تهیه شده مربوط به محاکمه عمومی نشان می‌دهد. سیاستی جرم سیاسی همیشه خود را از دست داده است: اما این وضعیت در بسیاری از کشورها حاکم نیست.

در سطح دکترین از جرم سیاسی تغییر و تفسیرهای گوناگونی شده است. در حقوق جزا در طبقه‌بندی مجازات‌ها اغلب بر ضرورت تفکیک جرایم عمومی از جرایم سیاسی و تنظیم تأکید شده است. اعتقاد بر این است که به هر چکاری سیاسی و نظامی که معمولاً گذشت ممنوع از جرایم عمومی تکرار می‌گردد. به کشان علی در هر حالت جامعه را تهدید می‌کند و عمل‌های اجتماعی اند؛ حال آنکه مجزمان سیاسی یا نظامی به بالای از جنبه‌های جامعه از نظر سیاسی و اجتماعی حمله می‌کند و به طور اتفاقی می‌گذرد.

محور اصلی مباحث تعیین جرم سیاسی و ارائه ضابطه برای تمیز آن از جرایم عمومی این است که آیا جرم سیاسی عمل مجرمانه‌ای است که اگر گزینه انرژی کاملاً سیاسی و اجتماعی با اختلاف در مدیریت سیاسی است. اینکه اقدام سیاسی باشد در عمل مختلف نظم سیاسی داخلی یا خارجی کشور باشد؟ به دلیل دیگر جرم سیاسی عرقی دو دیدگاه درآمده گزارش که جرایم جرم سیاسی باشد به ماهیت و طبعیت فلسفی توجه کنیم که فقط شده است تا ذهنیت و قصد مرتبک، دروازه برش جرم سیاسی را با میزان موضوعی یا برون

1. 6 همان، 9875 2. 6 همان، 9877 3. 6 همان، 9877 4. 6 کانوآن، استفان و دیگران، حقوق جرائم عمومی، ترجمه حسن دابلیو، جلد 1 (آنتور: دانشگاه علوم طبیعی، 1377)، 9877 5. 6 همان، 9877 6. 6 دستورالعمل‌های وحشت، ججل جرایم سیاسی و ملی، مجله تحقیقات حقوقی، 1 (1371)، 9877 و: 6 همان، 9877 7. 6 زبان، جرم سیاسی (آنتور، 1376)، 9877 8. 6 همان، 9877 9. 6 دنیز سزار، "Political Crimes: A Historical Perspective", 12.
دائم تعیین می‌کنند. در این دیدگاه آنقدر که به دلته و ماهیت عمل توجه می‌شود، به لگیزه ارتباطی آن اهمیت دارد نمی‌شود. بر عکس بر پایه معیار شخصی و درون ذاتی به انگیزه مجرم توجه می‌شود.

گاهی برای تفکیک جرم سیاسی از جرم عمومی، ضابطه "افکار عمومی" پیشنهاد می‌شود. بر این باابه، بهترین ملاک برای تشخیص جرم سیاسی از جرم عمومی، کیفیت تأثیر آن بر افکار عمومی در روایی است: به این معنا که چنانچه ارتباط جرم موجب انجرای و تفکر قابلیت مردم و جریان‌های سیاسی و اجتماعی عمومی باشد، به‌این‌که اگر مجرم عمومی به‌است که در سیاست‌های موارد، اقیمت‌ها ممکن است مرکب جریا واقعی سیاسی بوده، وی افکار عمومی مبتنی بر افکار عمومی آن‌گاه که زیر تأثیر تبیین‌های سیاسی حکومتی است: همان جرم را عمومی قلمداد کند.

برخی دکترین‌های جرم سیاسی بر زمان و اوضاع و احوال وقوع جرم تاکید می‌کنند. بر این مبنایی که در زمان قیام عليه نظام سیاسی و شورای سیاسی رخ می‌دهد، جرم سیاسی خواهد بود. اگر این نظریه برای تحقیق جرم سیاسی دو شرط آزمایش انجام شود:

- تحقیق سیاسی:

دوم - انکه عمل در این موقت اثبات ارتباط باشد.

در این دیدگاه تاکید به اثباتی موقتی عمل است دامی و انگیزه فاعل است. از این نظر، با عنوان "نظریه پیش‌بینی سیاسی" همی‌پایه شده است. اگر در عوامل به‌نوعی مسئله انگیزه و حالت روحی - روانی مرکب توجه شده است، با ملاحظه این واقعیت که شرایط و احوال و روند و یکی به یکی شرایط و احوال و اعتراض علیه حکومت، انگیزه و فضاهای خاصی را برای افراد پیدا می‌آورد. هر چند این نظریه در حالت نیم‌وتوانده و سه‌گانه را صرف‌اً از آن روی که در شرایط و قبض اعمال علیه حکومت رخ داده، جرم سیاسی قلمداد کند. به‌گزارش برخی از تهیه‌کننده، رهافت ارواح قارای اغلب با نظریه پیش‌بینی سیاسی متفاوت است: اگر به‌یکشی بر نظریه‌ای عینی با دهند تا که می‌کند. برخی بیانی فعالی فعالی سال‌ها به تاکید به روی‌کردن عینی تحقیق است‌دارد کملانی را که تاهم به همکاری با دشمن بوهران، به این دلیل ۴. Political Incidence Theory
که همکاری با دولت منالاحنی اصرار به حقوق منالاحنی است، می‌کردنی‌مین نظریه‌ی دیگر در جرم سیاسی، نظریه‌ی تناسب‌یا نظریه‌ی تفوق یا برتری است. برای این دیدگاه هر گاه در جرم عمومی، به دلیل اوضاع و احکالهای ارتكاب جرم شویده اینکه به هدف ارتكاب خصوصیات غلائب سیاسی یا اینکه جرم سیاسی خواهد بود، در این نظریه‌یا به نظریه نیت‌سازی سیاسی مشابهت دارد، رابطه میان عمل و مبارزه برای قدرت یا دیدگاه و آشکار باشد؟

گاه در تعریف جرم سیاسی نظریه‌ی ضابطه مختل شده و می‌شود. برای این دیدگاه، هم اگر هیچ‌یک یا هم برخوردی عمل از طبع سیاسی لحاظ شود؛ روبوکاری که گفته می‌شود از دهه هفتاد در فرانسه بدان تمایل نشان داده شد است. در کشور ما نیستن گرانات اساسی تعریفی از جرم سیاسی به بدن ندادهند، اما تحلیل گفتن مذاکرات آنها، و نشانه‌ی اجتماعی سیاسی خود قانوننگاران که سیاسی‌یا از آنها در زمینه سیاست محکومان سیاسی با نظامی بوده‌اند که با نشان می‌دهد که این بر این باور بوده‌اند که جرم‌های سیاسی در مقایسه با جرایم‌یا غیره‌ها و مقاصد شرافتمندی‌داندارند.

به نظر ما صرف ترتیب آثار سیاسی بر یک رفتار مجرمانه، وصف سیاسی به آن نمی‌دهد. این به معنای آن است که نظریه موضوعی یا برون‌دایی شایع مناسب یا دستکم کاملاً برای تعیین جرم سیاسی نیست. بنابراین نکله قلمی مقدم سیاسی به انگلیسی شخصی یا جرم سیاسی نیست؛ هر چند اثر سیاسی مهیم بر این نکله مثرس‌یا همیشه‌یا دیگر یا بسیاری از زمینه‌ها در تبیین جرم سیاسی بر عنصر خاص و انگرده‌یا مؤثریت‌ها تا پنجم‌یا کنتین که جرم سیاسی در آن قرار گرفته است. برای این دیدگاه، هم‌آن است که مجرد‌های غیره‌ای یا که در تاریخ موضوعی، جرم است به انگلیسی سیاسی و آسپرمیک به نظام حکومتی انجام داده شد. البته در رفتاران این تعریف از جرم سیاسی بر این نسبت که هم‌گرای عملی صرف‌آفرین زرده که به انگلیسی سیاسی ارتكاب یابند. می‌تواند مشمول مزایای جرم سیاسی

2. Predominance.

ب. همانی.

3. همانی.

4. ارديبهشت، 1381، 268 منصوب‌های تشکیل دهنده جرایم عمومی (و قانونهای جمهوری اسلامی)، 1377.

5. تک جز اخلاق کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صوت مندرج مذاکرات جلسه‌ی بررسی نهایی قانون سازمان جمهوری اسلامی ایران، ج2، اخلاق کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، 1384.

1361-1377.
شُریکان. هم در سیستم قلم و هم در عرش و بین العارضین اعتقاد بر این است که جرم سیاسی و خشونت باز نیستند ممکن است در جرم سیاسی و مربوط به این شوید.

به هر روی بر میانی همه دیدگاه‌هایی که انگیزه افراد را در جرم سیاسی به نوعی مؤثر می‌آورد می‌توان بررسی کرد: آیا دیدگاه‌های اسلامی جرم سیاسی به این معنا را می‌پذیرد یا نه؟ اگر

۲ مبانی نشان‌گری جرم سیاسی در اسلام

در این داستان به نیازبافی که بر پایه آنها می‌توان یا به جرم سیاسی را به رسمیت شناخت از آن روی با اهمیت است که اسلامی‌ها شناشی به جرم سیاسی را به دلیل یا در شروط جزیر مستونه حد نشته می‌کند بازدند قوی باشد که بر ادله‌ای فائق آید که در ادامه می‌آید.

۱- برخورد منفعت، با انگیزه‌های منفعت

گذشته که فلسفه شناسایی جرم سیاسی در دوران مدرن به تاریخ گذشته بازگشت که در مقام سرزمین رفتار شناسایی می‌توان دو بان میان جهان‌های مختلف منتهی به نتایج غیر ممکن است که می‌تواند صورت از مخفی شود و جنگی تضعیف نشته باشد. از این است که یک نیست و یک دو نوع سرقت، یک استوان و اکتش فهمندی امکان دارد. که از سر شرارت به دیگری توهین می‌کند مانند کسی نیست که بیشک و گمان خود برای آگاه نمونه جمعه به فساد یک مختصی امر عمومی و توپه نماید.

این همه تئوری عمومی جراحت شدید و سخت را به عنوان جرم سیاسی نمی‌پذیرد.

به نظر می‌رسد چگونه جزییات مسالمه‌ای اصل توجه به نشان‌گری مرکب در مقام و اکتش به جرم مخفی‌شناسی اصل عدالت باشد. درک شهروندی و بی‌پیش ما از عدالت این تفاوت یا نه فقط تجویز می‌کند که گاهی شناسایی آن را خاطرات می‌سازد، دست سفید حقوق جراز در موارد زیادی به انگیزه‌های عادی و نهایی می‌گذارند که برای نمونه اختیار یک سیاست مالی با روبه‌روی یک قضات از اما در سبایی از موارد، نوع انگیزه مرکب در بروزنداری یا عدم بروزنداری وی از تخلف و انواع نهایی و تاسیسات تکیه مانند سایر مطالب مرد تنها تشکیل دارد. انگیزه‌های شرایط‌های ماجرای سیاسی را نیابید در حال و هویا انگیزه‌های اخلاقی خاص تفسیر و تعبیر کرد. اینکه جرم سیاسی ممکن است در نهایت سودای رسنیان

به قدرت را در سر داشته باشید سبب نمی‌شود تا یا از انگیزه‌های افتخارشان به خوردار نشود. از چهارم‌اندازی کنی، اسلئن نقد حامی‌سازی سیاسی، امیر درمان مطلق و مقدس است؛ زیرا به کار مدی و سالانه بهداشت حکومت و بی‌شکری از استیاد کمک می‌کند. چیزی بیشتری در قدرت به طور کلی برای جامعه مبارک است و تمام سیاسی با بررسی در این راستا اقدام می‌کنند؛ ضمن اینکه منبذان سیاسی با تحمل خطرهای فراوان در این اقدامات سیاسی دست می‌زنند، از بیشتر می‌لت. یافتن به فعالیت سیاسی به هدف خود بعنی تصدی در قدرت و حاکمیت دست می‌یابد. افزون بر این، در میان منابع سیاسی هم کم بوده‌اند کسانی که پی از سال‌ها مبارزه به موفقیت سیاسی دست یافته‌اند، ولی تماشای به بقای در قدرت ندانسته‌اند و نشان داده‌اند که برای مبارزه با فساد به استفاده مبارزه کرده‌اند.

در اینجا ماهیده می‌کنیم که گاه نوع انگیزه‌ای تشکیلی در اینجا که ویژه‌ترند دو تعیین دو تأثیر اول در می‌شود.

۳. توجه به چیزی اجتماعی بی‌ظهاران

در موارد مجرمان سیاسی ـ که بنابر فرض افراد شرور نیستند ـ ممکن است دارای وجاهت اجتماعی باشند. این گاه که چرخ مرجم سیاسی صمایی قادمنش بشنو می‌باشد، حاکمیت یا جامعه نیست ممکن. مجرم سیاسی دارای مقبولیت اجتماعی هر چند به طور نسبی است. در مورد این دست مجرمان سیاسی توجه به چیزی اجتماعی انسان در مقام عیبین نوع رفتار با آن‌ها در سنت پیامبر(ص) رشته دارد. این وارد دارد نقل شده است:

«آفریندی که دوی آن‌ها تعریه‌ان هم‌اند! از خاطرات افراد شرور و برجسته چشم‌پوشی کنید.»

۱. بقای‌الله (清凉) در مفسرین اسلامی، ترجمه: توحید، مطبوعات، قرآن، ۱۳۸۹. ۱۳۸۴. ۵۴-۵۵. ۴۱. در برخی از کتاب‌های این حیات این گونه نقل شده است: این را دوی یاده‌ای حوره به این، از آن به عنوان برادران به‌شمار شده‌اند، دستگاه اجتماعی، ا概述 (بیشترین) در سلمان بن عثمان سنجشی (یافته‌مراجع)، سنین باراودی، شرح، ۱۳۸۹. ۱۳۸۴. ۵۵۴-۵۵۷. ۵۴. در برخی از کتاب‌های این حیات، از طریق داده‌ها و راهنماهای دوباره اینن تو این حیات را نقل دو کارگر موجود از این حیات، این مشابه، دیده است. من برای شربت صدر مانند که من ضمن استثنای حدود الی، حدثی که بار دیگر بر عدم چرایین ساکن در حدود دلایل دارد. این به دیده در صورتی
تفاوتهای مهم کمی است که در جامعه، باکس زیسته یا باغ جامعه خدمت کرده است و اکنون به طور محدود دیگر نزدیک شده است و یک جان نهباور، عادلانه است. چه رعایت
اعدادتگذاریهایی را بر می‌آورد.

تفاوت‌هایی از این دسته‌ها که امروز که شناسایی مقاومت جرم سیاسی قطعی و مسلماً شاهد به سیاستی که امتیازی برای یک نوع فرهنگی است، منشاً یک یا بیش از چندین که به منزل وی‌های مرتبط و در همان محیط خصوصی احد را بر پا ای ایجاد کرده است. تفاوت‌هایی که در میان کسی که مسئولیت را به فرد ایجاد کرده است، هم به بحث اثرات اجتماعی و فردی است.

در جزئیات دریافت طرح‌ها و لوازم سیاسی، برخی از گرایش‌ها که در برابر طرف‌هایی
از انواع تبعیض‌های ناروا در هزینه‌های تواناکننده ساختمان‌ها، در مقام‌های دیپلماتیک شناخته اجرایی سیاسی بر مبنای تاکید می‌کند و جرم سیاسی را از اروپا و نیروی می‌کند که به
تیپ‌های ناروا دائمی می‌زنند، حال آنکه رعایت مسائل هزینه به معنی آن نیست که در
مقام سازدهای به شان و جایگاه و موقعیت افراد بتوانند شود. مهم این است که این توجه،
خود روح‌سنج و ضایع‌هایی باشد.

### 2- حق شهرزادان بر نقد حاکمیت

شناخت‌های جرم سیاسی اقدامی هم‌سوز با شناسایی حق نقد شهرزادی است. مجرمان
سیاسی دسترسی از نگاه خود در راستای استیفاده حق خود بر نقد و انفراج حاکمیت، مرتبط
جم در شوندند. از جهان‌های اسلامی نقد حاکمیت، هم حق و هم وظیفه شهرزادان است.
برهمزندی‌های جلوه‌ای به‌معنای و نهایی از منبری که یک واقعی یا ناقص است، در نقد
حاکمیت پیامدادی می‌کند. حاکمیت صالح و بازند به موازین اسلامی، علی‌القاعده قانونی
و مقررات مربوط به این جوهر را به قانونی تقریر و تثبیت می‌کند که شهرزادان بتوانند این
حق و تکلیف را به خوبی استیفاده و انجام دهند. برای این منظور، به ابتدا رفع موانع، حتی
گاهی نیز بیشترین نیرویی که انجام انجام انجام مهم ضروری می‌شود و مداخله اجتماعی

اساس که بحث را نگیرد به حضور اصطلاحی در برابر تحریز باشید، با توجه به تشعیه تجربه‌ها و حضور در جامعه اصطلاحی
در زمان صفر از رویه‌های اجتماعی، این احتمال آنکه این نیست که فعلیت توانایی پیام‌برداری، از جمله حقی در این حضور هم دانست
برخی دیگر از احتمالی، مطاف متغیرت نبوده و دانه غرب و تسخیر محدود بدانید بآنین که عثماانه که مراحل به بحث می‌شود. چندین این احتمال ضمیمه است.

1. بحث من نعمت علی، شهاب، نشر ای، تاریخ ادبیات، ۱۴۰۶، ۹، ۲۵۴۹.
و حمایتی حاکمیت را می‌طلبد. در چنین دقت در تفکیک نقد از جرم، بخشی از این مداخله
در قابلیت شناسایی جرم سیاسی تجربه می‌کند. شناسایی جرم سیاسی به نوبت خود، حقوق
مخالفان را بهتر تضمین می‌کند. در این صورت افراد دخالت می‌ندد سیاست به مسائل اجتماعی
اطمینان بی‌سین که در صورت بارخواست شدن برای انجام آن اجازه وظیفه تشخیص
دادهند، با دقت بیشتری درباره آنها داوری می‌شود و با اثرات و به‌کارگیری جهت‌های بکس
قدلمای نمی‌شود.

از جهت‌های دیگر، حاکمیت صحیح و شاکسته در این باره وظیفه سلی و ایجابی دارد;
هم باید موافق را برای انجام وظیفه بردارد و هم به موقع حمایت کند. هم از این روی برخی
فیلسوفان به درستی، لزوم هیأت منصوب در جرم سیاسی و توجه قاضی به نظر آنها را لازم
دانستند. بنابراین این نگرش آن است که همه افراد باید حق دارند در راستای ایده‌های
خود و اصلاح برای برخاستگی نظام حاکم و بر اساس علیه و قوانین، فعالیت سیاسی و
تشکیلاتی داشته باشند و سپر این حق تحت هیچ عواملی مسروüp نخواهد بود؟

۳-۱ پیشگیری از استبداد سیاسی
برای مشروطیت شناسایی جرم سیاسی به لزوم پیشگیری از استبداد هم می‌توان استفاده
کرد. این باید از ارائه عمیق و قطیع استفاده را سخت نتوانسته می‌کند. به نظر عالم اهلینی،
حجم و سیاست استبدادی که در آن حاکم از کارهاش برخوردار نمی‌شود، ولی مراکز در بران
رفتارهاشان مسئولی ندارند: نوعی تعریض به حریمالله و تعقیب اسماء و عواطف مخفید به
خداوند به خواهاند است. آسایش حق و دین استوار متنه است از اینکه به تحمل عقاید
به مردم و مهر زدن به دل ها آنها و شک‌گذاری ریزه‌ای اندیشه‌های آن انسان به زور و قهر و
توصیع جسته به نازه و شمشیری یا تفکر طدر و منوی ساخت خرسن باشد؟

یکی از راه‌های حریم‌نهادن به لزوم حاکمیت و سیاست استبداد، شناسایی جرم سیاسی
است. نقد جرم سیاسی در روابطی با استبداد مورد توجه برخی از مجتهدان مجلس
بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم بوده است. آیینه سید محمد
حسنی پیشتر (نایب رئیس وقت مجلس) در دفاع از شناسایی جرم سیاسی گفته است: خود
این‌که جرم سیاسی و جرم مطابعی علی‌اکثر محاکمه نشود، جلو بسیاری از مفسدان و مخرب‌ها

۱. نک: حسین منصوری، رساله استقلال، ۲ (قم: ماهنامه، ۱۳۸۲، مهر، ۱۳۸۲).
۲. حسین منصوری، رساله حقوق (قم: ماهنامه، ۱۳۸۳، شماره ۶).
۳. علی‌اصغر خسروی، سیاست و نظم اجتماع (قم: ماهنامه، ۱۳۸۸، شماره ۴۸).
۴. محمدحسین نامی، نیکه‌ی زندگی و نزدیک‌الزمان (قم: ماهنامه، ۱۳۸۹، شماره ۹).
۵. حسین منصوری، سیاست و نظم اجتماع (قم: ماهنامه، ۱۳۸۹، شماره ۹).
و دیکتاتوری‌ها را می‌گیرد. ابتدا، ناظر مکارم شیرازی از اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی هم در دفاع از اغلبالانه بدون این نهاد حقوقی با آن‌ها شده است: در اسلام اسم این منصب از آن می‌باشد، ولی محتوایش را نداریم، ولی مساله سیاسی، مسائل مهمی است که مطالعه نگرش هستند. همه قضاوت فرقه‌ای اساسی نیستند (باید در بخش نظام اسلامی، در سوریه به عددی به نام هیأت منصبه باشند و در آنجا نظارت و کمک کنند و در تنش‌های بین همکاری نقع مثل و جامعه است. این هم مصلحت اجتماعی دارد، هم کمک به افزایش عدل در کشور و هم موافق منازل اسلامی است.

حتی از جهت انتشار دفاع از حقوق هم متون گفته: اگر فضای سیاست دولتی واجب باشد، بخشی از این محافل و بسیاری در قبال شناسایی جرم سیاسی و زمینه‌زایی برای تقد منافعان تجارت می‌بایست؛ چه حاکمیت سیاسی در سرگرمی به‌هم‌مدیزی از‌موهبت نقد، سالم باقی‌ماند. حاکمیت بدون نقد، سلم به‌خاطر سلام می‌گیرد. یک وکیل می‌کند.

۲-۵ هیأت منصوبه و برای سلاح‌ها در دعاوی کفری

بارانی از انتشارات بیشتری شده برای جرم سیاسی به ماهیت ضد حکومتی بودن جرم سیاسی‌هایی از ایشان به‌وجود می‌آید. برای نمونه، در مورد لزوم منصوبه در جرایم سیاسی این اعتقاد وجود دارد که جرم سیاسی نیاز به جریان، یعنی حاکمیت است. محاکمه مجرم سیاسی از طرف نهادهای قضایی که در هر حال و حتی در فرض برخوردی از استقلال کامل، بخشی از حاکمیت است، سایر به معنای یکی بودن شاکی و قاضی است;

در واقع، حاکمیت هم‌مانند هم شاکی و هم دارند دعاوی کفری است؛ این امر که توانست را به نفع حاکمیت تغییر می‌دهد. درست است که این مسئله در بسیاری از جرایم عمومی هم وجود دارد. اما ماهیت جرم سیاسی که ذاکر اقدامی سیاسی علیه حاکمیت است، جرم سیاسی را از دیدگاه جرم عمومی جدایی می‌کند. در جرایم عمومی حاکمیت به‌نام‌های از مردم و به نفع آنها قدم‌می‌کند، اما در جرایم سیاسی بنیا به فرض، زبان‌دیده از جرم و موضوع جرم خود حاکمیت است؛ حاکمیتی که برای جرایم قطعی تاریخی در دفاع از خود معمولاً زیبایی‌وی می‌کند.

امروزه در دعاوی کفری به‌کار رفته‌گوناگونی توجه

می‌شود. انتقاد برای این است که موضعی می‌کنند که بنیا به فرض در موضوع ضعیف قرار.

۱. گذشته‌های مسالمت‌آمیز مذاکرات محلی برای نهایی فاوون‌سازی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، انتشار: اداره کل امور فرهنگی و روانی عموم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۴/ ۱۳۷۳، اottenham، ۱۳۸۰/ ۱۳۸۱.

۲. ۱۳۸۰/ ۱۳۸۱.

دارد، باید از وجود گوناگونی قویت شود تا در دعوای میان او و حاکمیت موانعه و اعتکال
رعایت شود. در قوانین برخی از کشورها بیشتر این اصل دامنه وسیعی دارد. امروزه
حتی در کشورهای غربی هم نگرانی حقوقدان‌اند از تضعیف اصل برای سلاح‌ها در
دعاوای کفری به همراه تشدیدی امنیت و دفاع از عضوی روبه روی است. این اصل
با اصل دیگری نیز که گاه تنافر نامیده می‌شود، ارتباط و تبادلی دارد. اما اصل تناظر
نیاز باربر تفسیری، تضمین کننده مسایل اساسی دعاوای اسلامی که بر رعایت عدالت و انضباط تأکید می‌کند به نظر می‌رسد که
این موانعه هم دلایل دارد.

پیشینی نهاده‌های منصفه برای جرایم سیاسی به موانعه و تعادل میان مسلم و شامی
کمک می‌کند: به‌خصوص در نظام‌های سیاسی که به عنصر تکفیفی قوا به‌هسته ایست
و نظارت‌های صریح و مدیری بر اقدامات قضایی و حاکمیت ضعیف است، پیشینی هیأت
منصفه برای جرایم سیاسی هر چه ضروری‌تر می‌شود.

در مجموع، پیشینی هیأت منصفه در جرم سیاسی اقدامات است همسو با تأیین و تضمین
تعادل و برای سلاح‌ها، رعایت این موارد صرفاً مطلوب و مستحکم توسط دانوی
شناسایی این‌گونه نهادها و سازوکارها جنبه‌الزمان‌یابی می‌کند، به‌پراکنی برای
با مشکل جدی روبه‌رو می‌شود.

به دلیل همین میانی روشن و استوار و نظیر آنها بود که اصل 148 قانون اساسی جمهوری
اسلامی ناظر به شناسایی اصل جرم سیاسی بدرقه وجود شمار قابل توجهی از مجتهدان
سندگان در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با رای بی‌الا (۵۷)
را مخالف دو رأی مخالف و دو رأی مثبت به تصویب رسید. «بر اساس مخالفان با
برخی جزیات این اصل مانند شرایط و ترکیب هیأت منصفه و امکان دخالت آن‌ها در حکم
و قضاوت اشکال داشته‌اند.»

1. Masha Fedorova, The Principle of Equality of Arms in International Criminal Proceedings) Belgium,
2. محمد مهدی سلیمانی، اصل برای سلاح‌ها در جرایم فردی از گروه‌های مسلح، حاکمیت حقوقی معلولیت،
۴۵ و ۵۷ (۱۳۸۵)، ۲۸ (۱۳۸۶)، ۸۵-۱۱.
4. نک یبداله شمس، «نمایشنامه» مجله میهن‌شناسی حقوقی ۵۷ (۱۳۸۵)، ۵۲-۶۹.
5. محمدرضا میرزازاده، مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۱.
6. اکبر حسین، ۱۳۸۱-۱۳۸۰، ۸۸۴-۸۸۳.
7. بابک شیخ، ۱۳۸۱-۱۳۸۰.
با این حال، پذیرش اصل جرم سیاسی نمی‌تواند به معنای شناسایی آن در قلمرو حدود نیست.

ایا دلایل خاصی وجود دارد که بر پایه آنها نمی‌توان جرم سیاسی را در قلمرو حدود پذیرفت؟

3- دلایل عدم پذیرش جرم سیاسی در جرایم مستوجب حد

3-1. عدم امکان تصور جرم سیاسی در جرایم حدی

ممكن است تصور شود با توجه به جوهر و ماهیت جرم سیاسی اسولو ارتباط این جرایم با انگیزه سیاسی قابل تصور نیست. نمی‌توان تصور کرد که مثالاً کسی به انگیزه سیاسی مرتكب‌زنا یا شرب خمر شود؛ پس ماهیت و طبع جرایم حدی با مقولة انگیزه سیاسی قابل اجتماع نیست.

این گذشته اگر دیوان به خیر از جرایم حدی پذیرفته شود، در صورت برخی دیگر از آنها پذیرفته نیست. در تفیل رایج، محاوره‌ی از حدود قلمداد می‌شود. اگر محاوره، سلاح کنیشدن به روز مدر می‌باشد، قصد ترسیم‌های آنها باشد، این کار می‌تواند به انگیزه سیاسی یا غیرسیاسی انجام گیرد.

کسی می‌تواند دیگری را از سر انگیزه‌های سیاسی‌جویانه و شخصی قف داشته باشد، با به قصد تضعیف موقف‌سیاسی او و دروازه بانگیزی‌سیاسی؛ مانند اینکه مقدور از صاحب منصبیان سیاسی باشد و قانون سرفاً نقض به حیثیت سیاسی و اجتماعی او به عنوان یک صاحب منصب را داشته باشد، اگر بفی از حدود باشد، این جرم کاملاً دارای ماهیت سیاسی و ضدحاکیتی است. صرقت نیز ممکن است به صدق مالدن‌وزی باشد، با به قصد تضعیف حاکیای سیاسی به طور محدود باشد در سطح و سیاست و این گونه در روی‌های جاری کشورها، باربازی از مقولات کاملاً غیراخلاقی یا شدیداً خشن یا اقدامات تربیتی به عنوان جرم سیاسی شناخته نمی‌شود. علت دیگری دارد. اعتقاد بر این است که برای بیش‌گیری از وقوع جرایم خشن، مرتکب‌اند جنیماً را نیازی از امیات‌ات جرم سیاسی برخورد نمود.

سخن‌کوتاه، برخی حدود اصولاً ماهیتی سیاسی دارد که در این باره در آدامه بیان شد. سخن خواهیم گفت: برخی از حدود نیز کاملاً ممکن است با انگیزه سیاسی یا غیرسیاسی ارتباط یابند، با تعلق به عدم جرایم جرم سیاسی در جرایم حدی را به ماهیت و طبع این جرایم نمی‌توان مستند ساخت.

3-2. شدید جرایم حدی

آیا می‌توان عدم شناسایی جرم سیاسی در جرایم مستوجب حد را بشتافت آنها مستند نمود؟ دروازه همان‌گونه که برای تلقی‌های رایج، جرایم خشن و سخت را در شمار جرایم سیاسی
قرار نمی‌دهند، جرایم حدد را هم از آن روز که توانسته‌ساختارین و شدت‌ترین جرایم در فقه کیفری اسلام‌نامه ناپذیر به عنوان جرم سیاسی شناخت.

اين استدلال نامه است: زيرا درست است که جرایم حدد به جرایم مهم و ارزش‌های بنايين ناطنند، اما نمی‌توان کفت که همه جرایم حدد از همه جرایم تعزیر باهم‌ستند. بی‌گمان شکنجه، آلودگی جاسوسی- ها که جرایم تعزیر به‌پوشمارم آن‌ها، از قذف و قوادی شدیدترند که در تلقی راجع به قلمداد می‌شود.

نامه‌ساختاری در حکومت بدون حکومت سیاسی در جرایم مستوجب حد در حکومت دینی این است که کفته شود: حکومت دینی به دلیل تقدیس و برخوردی از جنبه انسان‌گرایی است که اقدام علیه آن از برگزاری غنایه‌ای است و در تبیین‌های مهیبان و مخالفان حکومت شدیدترین برخوردی را نمود. شاید فیلسوفان که تازه کردنده باهبان یا افراد قلمداد کندن چنین دیدگاهی داشته‌اند. گاه در مقام سختی کیهونر با بی‌گمان کفته شده است که این برای آن‌ها برتر از جهاد یا کافران در سرزمین‌ها غیرسالم است: زیرا آنان در دارالاسلام بی‌بای خروج کرده‌اند و کار علی‌مانند ارکاب فاحش قیح در سجس دست‌یابی‌اند.

این بردان‌شک‌دوز و از این‌گونه آرا تقدیس‌گرایی ناباید و استدلال بوشی‌دن است، با سبیله‌ها و روش امیر‌المومنین علی(ع) در زمینه تعامل با مخالفان سیاسی و حتی نظامی اس‌سازگاری ندارد. بی‌گمان سریعاً با حکومت سایرها و صالح و ایجاد دلوا و اعتشاش به ناحیه که صورت داده‌ها ندارد، از گنایه بزرگ است: اما این به معنای آن نیست که حکومت صالح حق دارنده شدیدترین برخوردی را با مخالفان سیاسی ساخته باشد. سیره اخلاق‌آمیز امیرالمومنین در برخورد با مخالفانش نشان می‌دهد که اتفاقاً قادسیت حکومت در برخورد انسانی با مخالفان چはどうی می‌شود.

3- تغییر ناپذیری کیفری حدید

ممکن است استدلال بود که کیفر جرایم حدد را شامل مقدس تعبیر کنده است: لازم‌است شناسایی جرم سیاسی در قلمرو جرایم حدد است که بتوان وحد و جهن کیفر را تغییر داد.

این امر در حدود به دلیل طبق تغییر ناپذیری این ممکن نیست.

این استدلال هم برای نمای حدد جرم سیاسی کافی به نظر نمی‌رسد: نه که از این روی که شناسایی جرم سیاسی هزینه‌زا با معنا تغییر در کیفری حدد نیست‌است: من‌اسم که سیاسی قلمداد‌شنون یک بخت جرم می‌توانند بی‌اندازه امکانات مانند نزول علیgence نودن دادگاه، لزوم نیتی‌منصفه در جرایم سیاسی‌گری به جرم با اعمال کیفر به گونه‌ای خاص مثالاً جدا

"محمدرضا علي النقاشی، نمایانگر مفهوم اخلاق المان: نتایج اخلاق‌شناسی (دوره 2) (ساله 1391)، 144."
تکهنده‌شنان مجرمان سیاسی از به‌کارگیری عادی شد. شناسایی این تفاوت‌ها و تماشای‌های زندگی مستنده‌تر تغییر در کیفیت حذف را نشست. بلکه مستنده‌تر تغییر در کیفیت اجرای قانونی حتی در مورد برخی از جرایم به بحران تکفیل می‌شود. در تعریف قانونی، این مشخصه از آن‌ها نصف خاصی وجود ندارد. و برای ایجاد فناوری مثال بر منابعی تلقی غالب که محاسبه‌های را حذف کننده‌کنید، محاسبات ممکن است به عوامل یکی از گروه‌های حذف تبدیل شود. حال اگر کیفیت تبدیل کننده سیاسی به متکب راه‌نیازش را انجام دهد است با تبدیل کسی متفاوت باشد که صرفاً به انگیزه‌های سیاسی یا حاکمیت سیستمی کرده، به حفظ این فهمه می‌شود است. این جرم اندلسیه به اعتبار خود را از یک‌بازاری‌گیری که در آن بر شان و مزلزل انتشار تاکید شده آمده است: از این‌که در این آمار بزرگ‌تر و از بکارگیری آنها در بلاگ‌های بازکرده «گفته است: اگر بزدی یکی از انتشار به گونه‌ای باشد که مرتبه تغییر برسد، و اگر این مرتبه عقور با گیرد، حتی در جریان شخصی می‌توان بر کسی تغییر داد که از انتشار باشد و این مسئله‌ها با کتاب زبان هوای زندگی همکار است به انتشار این مزلزل اجتماعی فراوانی را هم تجويز کرده است.

گمان نمی‌رود اگر محل زندان با تبدیل مجرمان سیاسی که در بسترین حالت قصد بر هم زدن امته‌ی جامعه به انگیزه‌ای بحث تولید در حاکمیت سیاسی را دوستانه آن از محل نگهداری راه‌نیاز شرور و مال‌نورد جدا باشد، به ساخت مقدس حسین و قوای مهمه تعداد شده باشد. در می‌توان بررسیدی برای کدام اصول و مبانی این انرژی تغییر و انعطاف در کیفیت جرایم حذف را نیست؟ احتمالاً تغییر اخلاقی در حال جرایم در حضور این باورند که کیفی جراهم حذف به طور مطلق به مبانی مهدی تغییر شده است. فرآیندهای جرایم قانونی نوعی از هر حالت تاریخی تغییر مفهومی است؛ حذف سرفه، قلم است. حواشی را به قصد مال‌نوردی باشد، با از انتگرای سیاسی.

این اندازه‌های استدلال برای عدم شناسایی جرم سیاسی حذف کافی نیست. درواقع در این فرض، مبانی و مقدمات نسبت به اطلاعات لازم استوار نیست‌که کیفی جراهم حذف را تعیین کرده است؛ حتی اگر اصل تغییر ناپایدار بودن کیفی حذف در هر حال را به‌پردازی نخست می‌توان ابراز کرد که شناسایی جرم سیاسی با مشخصات ارزشی آن امر مستند در واگذاری‌ها و تغییرات در قضاوت مفید نمی‌باشد. در قضاوت صدور مفید نمی‌باشد. جرایم حذف از این مسئله و روایت نقص‌مند با انتقال تفسیر از جرم سیاسی به معنای ارزش باید نیست آن‌ها نتخیب‌مانند. برخوردی از این نوعی از بازسازی‌شده نگهداری از کنار مدار فضعو مجرمان در فضای سیاسی.

1 این جرم علی بن احمد اندلسی، المحتی، جلد 11 ایبوس درالافقіک نجات، پرینی، 1423(هـ).
2 همان، 1426(هـ).
متونی قابل تصویر به این صورت می‌کنند که چهارم گوناگون را تعمیم می‌کند. البته باید جرم سیاسی به عنوان امری که ادله تعمیم کیفی‌ها می‌تواند نسبت به آن مطلق می‌باشد قابل تصویر نبوده است.

توجه کنید که داشتن‌مان اصولی اخلاقی‌الفاظ دارند که ما ماهیت اطلاع‌العملی و عدم لحاظ قید به کلی است: با لحاظ قید در ابتدا و سپس انتخاب عدم آنها در مقام انشای حکم؟ بنابر نظریه اول وقتی گویندگی‌ها، گروه را فرمان می‌دهد مثلاً آی بی‌پا، گوینده‌ها در طلب یافته و ماهیت آب را لحاظ نموده و قویدی مانند سرد یا گریه‌ودن آب، با این را که اب در جه طرفی بانی، به کلی لحاظ می‌کنند: در حالی که ما توانا آب مورد نظر خود را به یک یا دو قید از قویدی از این دست، مقدم‌نیم‌آب یا بنابر رأی دوم، گوینده قید ممکن را لحاظ می‌کند. اما در مقام برخواست و انشای حکم، ماهیت مورد نظر خود را به هیچ‌یک از قوید ممکن می‌کند.

بنابر دو نظریه و بیشتر به بیان نظریه دوم این بررسی بنیادی‌تر مطرح است که در مقام تمسک به اطلاع‌العملی ایام می‌توان کلام را در ارتقاء با آن دست قویدی در اطلاع‌العملی دانست که در حال و هوای مخاطب و صدور فرمائی اصولاً برای گوینده و تمسک را یاری یکی از آن (شناختند) قابل تصویر نبوده است، در مورد محل بحث درست است که مثلاً مجازات سرقت مطلق‌الفعل یاد است: اما وقتی مقولی‌ها به نام جرم سیاسی به طور مشخص در آن حال و هوای دستگاه برای مخاطب قابل تصویر نبوده است، چگونه می‌توان کلام را از این جنبه در اطلاع‌العملی دانست؟ تمسک به اطلاع‌العملی در این فرض برای اشکال نبوده، تمسک به اطلاع‌العملی در مورد آن دست قوید و شرایط، یکی از لحاظ نبوده است که در زمان صدور قابل تصویر باشد. به تعبیر فنی مشکل اینکه چگونه تمسک به اطلاع‌العملی از آن است که در مقام بیان گوینده اخواز نمی‌شود، دنیا است بیان گوینده را نبسته به قید و شرکتی که اصولاً در مقام تختاب قابل تصویر نبوده در مقام بیان دانست.

این همان مسائلی اصولی اساسی است که به سرجام‌مردان برای جداسازی فرمان‌ها و رو به شیب‌های حدود از تغییرات تبدیل شده است. زیر که تأثیر این نگاه است که در دیدگاه راجد بسیاری از نهادها و تاسیسات جزایی و عرفی و عقلانی دانسته، تعامل به کیفر بر باید اصل کارایی و توجه به آزمون و خطا‌های تجربی، منبع مجازات ضعیف، در تغییرات به آسانی پذیرفته می‌شوند؛ اما در حدود نه خلاه آنکه این بنیاد اصولی آن قدر استوار نبود.
که برایه‌ای این بتوان جنود را تا این اندازه از دسترس تغییر و تحولات عقلانی دور نمود. به گواهی‌های اطلاعیات اداری و تاریخی که در تلقی رایج، جدی‌ترین آگاهی‌ها، به‌همراه اینکه چنانکه در وضعیت در عین حال و نیازهایی که شناسایی چنین سیاسی‌های را تجهیز با آرام می‌نماید به خودی خود آتاقشان دادن که جنایتگونان از جميله برخی از جوامع قدیمی را از این مسئولند. در واقع، مسئولیت برای دستگاه‌های اقدام‌پذیران از این مسئولیت برای جنایت‌های قدیمی به‌همراه اینکه را عنوان دارند. این معنی‌ها نیسته جز اطلاعات از راه‌های مختلفی از آن را به عنوان جرم سیاسی با رسمیت شناخته، سرقت و گلاب‌داری چندان از معیار مشابهان از این ناحیه تفاوت ماهیتی دارند؟

اثبات این افتراف و دوگانگی با استناد به اطلاعات مزبور به معنای از این است که شروع مقدس اسلام، به‌خاکی از جرایم را در حوزه خاص و محدود‌ترین نهادیان آن‌ها را به کلی از تیر و تغییر و تحولات عرفی و تلقی‌های عقلانی، خارج نموده است؛ این امر به معنای از این است که شروع مقدس اسلام در مقوله کیفر و سرنشین اجتماعی، در قلمرو حروف، راه و روش خود را از عقلانی عالی و جدایی را از در حوزه از جوامع از این راه و روش را به دسته‌ای است. این ادعای نیاز به دلیل دارد و دلایل و شواهد آن را تایید نمی‌کند با توجه به نجاحی تعامل شروع مقدس با عنصر مجازات در محیط صدور نصوص دیگر، این احتمال بسیار خیلی است. ما دانستیم که همه مجازات‌هایی که شروع مقدس اسلام بدان‌ها حکم نموده بین اسلام در محیط بهبود جهزیکی عربستان رایج بوده‌اند. اسلام نوعاً آن‌ها را به منظور تلقی‌های تمایلی و روزگار از مقوله کیفر زیست‌جو و تغییر سیاسی در نوع آنها ندارد، این نکته باید تنظیم کنند، مثلاً قانون و اوضاع که‌اند آلمان، مشابه شروع اقدام در این باره مشابه همدانه و همچنین با استانه‌کردن کیفرهای رایج بوده‌اند به‌منبع از تغییر و تحولات عقلانی در مقوله کیفر و سرنشین اجتماعی.

1. نک: محمدحسین تهماسب‌پناهی، جامعه‌شناسی، جلد ۴ (یورش به انقلاب)، انتشارات مرکز، ۱۲۸۲، صد ۱۳۸۲.
2. نک: حمید نوروزی، اقدام مجازات در جرایم جنسی، مرکز دانشگاهی اسلامی، جیرفت، ۱۳۸۲، صد ۱۳۸۲.
از آنجا کنی‌تست روشی که شناختی جراحی سیاسی در جراحی حدا به مشکل‌های اساسی
مواجه نیست؛ چیزی در جراحی به خودی خود منع از آن نیست که هم‌مانند توانآن را با
شرایطی جراحی سیاسی هم دانست: در ادامه به ذکر مسئولیت و وظایف چنین می‌پردازم که
مشابه می‌دهد اطلاعاتی در جراحی سیاسی به معنای نه توجه به انگیزه‌های سیاسی در ترسیم
نظام جراحی و تفسیرنده آنها به نوعی در مانع اسلامی مورد نظر بوده است.

۴ دستیابی‌های شناختی جراحی سیاسی در مانع دین‌ی

۴.۱ توجه به باگاه اجتماعی محاربه در جراحی محاربه

در زبان ماهیت جراحی محاربه و تنها نسبت آن با افسانه فی‌الرست و آنکه آنها آیا دو
جراند یا یک جراح؛ حرف و حديث بسیار است. محاربه در دیدگاه رایج، حد قلمداد می‌شد و
ما با نیزه‌های فرمان در مورد ارتباط آن با چرم سیاسی سخن می‌گویم. هر چند در
شمارش این جراح از حدود اصطلاحی می‌توان تریکاکردن

به‌منظور موضوع این نوشته فقط بر این نکته تأکید می‌کنیم که شماری از فقه‌ها
هشتگاهم به زمینه و شرایطی جراحی محاربه تشخیص‌گذارانه که شرط‌های تحقیق محاربه و
و کارایی کیفی‌های ذکر شده در آیه ۳۲ سورة مانده این است که آنها باید با «اهل میانه» باشد.

شیخ طوسی در تالیفه قانع‌اند جراح و روانی در فقه اثر از این دست فقه‌های‌اند.
پیشکوه عبارت روانی در این پاره نتایج‌آمیز است. شیخ مفيد، مهم محاربه از اهل دعاء‌ه

۱ برای نمونه نک‌سیم‌امحمد هاشمی شهرودی، خاتم قطع‌های معفوره جلد ۱ (قم: مؤسسه دارالبعل ایران، قاری اسلامی بر

مذهب اسلامی)، ۱۴۳۲/۳۱، ص۴۶ مهد مؤمن نفسی، مکاتب سیده‌ها، مرکز نشر کتاب‌های اسلامی، ۱۳۴۵، ص۴۶، ص۵۸۴.

۲ از هنر عماری‌فرایندی شیخ طوسی در کتاب خلافت، چا برمی‌اند که در جراحی محاربه از ناحیه از تولید می‌باشد و
در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از این سو در اگر کسی به همکاری رویایی است که اگر کسی در هر صنف
زاویه نداشته باشد اگر چه کسی از این دسته نه تنها به‌واسطه این موضوع تا اگر چه کسی از ترسیم می‌باشد
و این در این زمان چنین دیده می‌شود. اگر کسی دوباره دنبال کرده، ولی کسی دوباره دست و پایه به‌واسطه فعنق می‌شود
و نه چنین می‌باشد. امجد بن دلکسی سفی، در اختلاف جلد ۶، خاتم قطع‌های معفوره، ۱۳۵۷ (۱۴۳۵)، ص۴۸ و اشاره‌های
دیگری هم از این موضوع می‌باشد که به علل محرمانه، حالی زمانی که را در این‌جا دیده و را در این‌جا از
شدن امتناع، با افعال دست و پایه طور برعکس. پیش‌تر بودن خود یا پس از هر چیز یا با آن‌ها در این
سیاست‌های می‌باشد. (پیش‌تر، جلد ۶، ص۳۵۷) که از این‌جا یا در نکته‌هایی که را در این‌جا دیده و
در این‌جا وارد باشد این‌جا شکنده بعضی از این‌جا می‌باشد. به طور تغییر نشان دهند متمایز می‌باشد.

۳ جراحی هیچ‌یک از کُریا؛ چرا؟ اگر در این‌جا بی‌کاری داشته و نتوانسته یک امکان را با

تعیین طبقه‌ای کُریا؛ چرا؟ اگر در این‌جا بی‌کاری داشته و نتوانسته یک امکان را با

۴ عالم‌العبید بن جراح الطرسی، اثر بی‌شمار (قم: مؤسسه دارالبعل ایران، قاری اسلامی، ۱۳۴۵)، ص۴۶.

۵ نک‌سیم‌امحمد هاشمی شهرودی، خاتم قطع‌های معفوره جلد ۷ (قم: مؤسسه دارالبعل ایران، قاری اسلامی، ۱۳۴۵)، ص۴۶.
تعريف كرده است، أو في توضيح كسانه كشايب، يكي من مجاراةه، بالرغم أن كسانه كه الهدف منها، إذ يبيج محجوم، ومجزامت بن دار الإسلام، وجمعائم به رابه، راحه يا ملال، يبيج، مثالياً، مثالياً، مثالياً.

اتخاذ كرده است، وراءه جن رونين، إذ صورنا ملال جر، مثالياً، مثالياً، مثالياً، مثالياً.

تكرر، في، يبيج، مثالياً، مثالياً، مثالياً، مثالياً، مثالياً.

نستَّد لغة، بمعنى شكئ، كنانة، اتهام، است، است، است، است، است، است.

نستَّد لغة، بمعنى شكئ، كمان، اتهام، است، است، است، است، است، است.

نستَّد لغة، بمعنى شكئ، كنانة، اتهام، است، است، است، است، است، است.

نستَّد لغة، بمعنى شكئ، كنانة، اتهام، است، است، است، است، است، است.
مجله وزوادهای حقوق جزا و جرم‌شناسی (۱۳۹۳-۱) ۱۵۷

ب‌گ‌م اینکه از اهل ربه نباشد؟

حمل سلاح در شب در این روايت معناي خاص خود را دارد؛ زيرا هرگونه حمل سلاح در شب به خود خود مستلزم تحقيق عقتوان محاربه نيس. اين روايت سلاح‌دیدار که روانابات مطلقي را كه منصوب اين شرط نيسند، تقييد نماید.

برخی از فقيهان معاصر شرط اهل ربه بودن را نافذ به مقام ائتمات جرم دانسته‌اند؛ به این معنا كه عقتوان محاربه فقط با سلاح کن‌سپندن و قصد اخافه و عفاسد تحقيق بدی می‌کنند اما در مقام ائتمات اهل ربه و فساد بودن به ائتمات شروط یاد شده کمک می‌کند. ناظر روايت ضریب چنین حمل را برئیمی تایید. به نظر مرسود روايت در مقام بیان شروط واقعی و نوتبی محاربه است؛ ضمن اینکه این قید را می‌توان ترجمان افساد در الاضر قلمداد کردکه در آیه محاربه و نیز (آیه ۳۳ سوره ماده) ذکر شده است.

در همین مورد یکی دیگر از فقيهان معاصر در تفسیر صحیح ضریب کفته است: این روايت در مقام تفیق محاربه و محدود کردن امام جمیر گونه که برخی پیشینان کفتناند نیست بلکه بر عکس در مقام توسعه محاربه و بیان این نکته است که در مورده اهل فساد، صرف حمل سلاح کافی است؛ حتی اگر سلاح نکنیدی به دست برای خود ضریب به کسی هجو نیاورده باشد. صاحب این نظریه چون توجه کرده است که این تفسیر توسعه عجیب جرم محاربه را به دنم دارد، کفته است: مضمون حیاتی به بیان حکم ظاهری و قیزی از امام‌های محاربه قرار دادن مناسب‌سی‌دارد. پس گویند اصل در مورد چنین کسی محارب بودن ابست که هرگاه که خلاف آن نتیجه مشد.

روشن نیست پرستش راوا از امام دربار محاربه به معناي نبوده است یا به‌هم‌

عبارت محاربه با این اهمت چگونه می‌توان به سراغ این تفسیر و تعبیر خلاف ظاهر متوقف و توصیف امام (الع) از محارب را به مقام ائتمات ناعزی اخطاست؟ به علاوه ایا کسی احتمال می‌دهد که صرف حمل سلاح در شب از سوی اهل فساد حتی اگر اخافه و قیام عليه حکومت و قصد سلب و غارت اموال و وجود نداین تاپورد، نسبت به محاربه شدید در دوران گذشته حمل سلاح در شب و روز امری معمول بوده است؟ چگونه چنین امری که به دست صالح و فاسد

1 محمد بن حسن الجزیري، بررسی‌های اسلامی، ۱۳۸۸، ۳۷۷، پ. ۳ (نوبت اول از جامعه روحی).

2 همین.

3 مسیح ایزدی، اثرات انتقالی اجتماعی، جزیره و عمارتی، جلد ۳ (پیام جامعه اسلامی)، ۱۳۸۹، (۳) پ. ۳۸۹.

4 هاشم شاهرودی، قوانین عمومی، جلد ۶، ۱۳۹۶، ۵۸۸.

5 همین.
به انتگرهای مختلف و در موضوعاتی گوناگون صورت می‌گیرند، می‌تواند امرهای ابتکاری در محاربه باشد؟ حکم به تحقق محاربه و جواز قتل، امر بی‌نهیت نیست تا بتوان آن را به املاکی به این اندازه ضعیف و غیرقابل مستند نمود. این با رجز و احتیاط بی‌شیوه‌ای دین ما سازگاری ندارد.

یکی دیگر از قیف‌های معاصر در تبین این قید گنته است؛ پیشینی این شرط برای خارج کردن پیلس و ماموران گسترش در شب بوده است. این تفسیر و تعبیر هم درست به نظر نمی‌رسد. قید معمولاً برای اخراج افراد و مصادری استعمال می‌شود که مخلوط احتمال بدهد در موضوع با متعلق حکم دخیل‌اند. آیا کسی احتمال می‌دهد نگهداریان شب و پاسداران امتیت محاربه باشد؟ تا اینجا با (ع) باید کار گرفت این قید در صدد اخراج آنها باشد؟

از این رو به نظر می‌رسد این روایت را نباید با این گونه تفسیر بی‌مشتاق نمود. این روایت به شرحی معقول و مطابق نظر دارند شرطی که با دیگر قواعد او نقض کننده که برای محاربه در دیگر روایات دکتر نامور نیست. این روایت به اصل لزوم دست‌سپاری به‌کاران و توجه به جایگاه و دست‌سپاری اجتماعی آنها که معمولاً سبب نقل‌تحاکم در انگریزی متفاوت می‌شود، توجه دارد; دلیل ندارد با از کاراناتخن یا این گونه روایات، مفاهیمی که یک جبر به رای و نه ماجرتهای ترسیم کنیم با گسترش توجه عرفی و عقلانی بر طبق مبناهای معمولاً اجتماعی و نوع انگریزی‌های آنها از جمله انگریزی‌های سیاسی می‌توان

غذایانشان این جرم سیاسی را در برخی از جرایم مستوجب حذف هم به سه شناخت.

باپید باداور شد با کذب زمان، تلقی‌های عقایدی از مقولات مختلف اجتماعی دقیقت و شفاف‌تر می‌شود؛ بنای شرع مقدس بر این بوده و نتیجه که این باید توسعه‌ها و تکامل‌ها را ببندد و اعتبارات عقلانی را که توسط عقل‌الحکم و انتشار می‌شود به همین بی‌پیکراد، اسرع مقدس نیز می‌تواند با این گونه تحولات عقایدی که به فقید از آن نهفته نشده است، بلکه آموخته و مبنا دینی گاه خود در ابتدای و پایان‌گذاری آنها نقش داشته است، همچنان و همراه باشید، بلکه بر آنها نیستید بگیرید.

۴۶- ۲. شناسایی انگیزه سیاسی در جرم بی‌غی

بی‌غی، خروج و سرنشینی علیه امام مصوص (ع) یا امام عادل - بهتر اخلاق‌الناظر موجود - امید آنان، ازدواج و دلایل کمی آنها حذف بودن جرم بی‌غی را تأیید می‌کند، بعیزان‌ها توجه به
شکستگی بودن و ضعف و شدت داشتن آن، نگارش معتقد است بی بر نمی‌توان جد قلمداد کرد. اغلب مونت فقهی هم بی بر را در شمار جد ذکر نکردند؛ بلکه در ذلیل می‌سказد آن اکنون آسیخ گفتند. این موضوع که باید با بایانات جنگیدل تا از بی بر دست بردارند به معنای زلوم کنش‌اند آنها نیست. جنگ‌یادن با کسی برای واداشتین آن با بزرگنده‌نشین از زلوم کنش او متفاوت است. مقاتله با قتل و اعدام و عتیقه کیفر متناوی است. این مساله که باید برای روابط با شورش مسلمانه اقدام کرد، اصولا از مقولة مجازات نیست.

بپذیری بی‌پایین است به این نکته از دیدبردار در میزان فقهی شیعه و سنی تصریح شده است که برای تحقق چرم بی‌پایین است کسانی که بر امام خریج کردند به علت شهادت فکری اعتقادی اقدام به مبارزه با امام علی نموده باشند. فیضی‌نامه این‌ست نوعی اجبار بر این مطلب دارند. شماری از مونت فقهی شیعه هم این چیز را شرط تحقیق چرم بی بر دست است. با دستکا درباره آن سخن گفتند. شیخ علی‌نامه هنگام شمارش شرایط وحیت بیانیه به این ترتیب تصریح کرد این‌ست. شهید انقلاب در میان عبتار شیخ علی‌نامه در مورد این شرط وا بپنجه نقد یا را کن. نقل کرد این‌ست. حتی شهید نانا این که بایانات را کافی می‌داند؟ در نویجه انکه چرا نخواهی برخورد آنها با مردان متفاوت است. گفتند که شاهد از نگاه اخلاق
برخورد آنها بر نصر. این است که اهل بی‌پایین دجیه شیعه‌ناد و همین امر سبب می‌شود تا نویجه آنها پذیرفته شود. فاصل مقداد هم این‌ست: باید کسی است که بر بی‌پایین تاونه این نکته داشتن کند. شماری از این‌ها داشتن اولی و شهیه و عدم آن را وجه تماش می‌باید، این بوده باشد که این‌ها داشتن اولی و شهیه و عدم آن را وجه تماش می‌باید، این بوده باشد که این‌ها داشتن اولی و شهیه و عدم آن را وجه تماش می‌باید

به واقعیت‌شناسی فکری و اعتقادی به مبارزه مسلمانه اقدام کردند، با بیرنگ و هن منابع

برخی از فیضی‌نامه، اهل بی‌پایین را از اهل بی بر چگونه باشد و آنها را از کار مردان و مخاربان در

جهاه گروه جدایان دست‌بندی کردند.

معقوف نجیب بر این ترک به توسط فیضی‌نامه نامداری عنوان شده، ایراد گرفته است که می‌ست.
دلیل بر لزوی یک شرط نیافتم؛ به علاوه اهل جمل و صفتی، شیوه‌های نداشتند. بار خارج
جنس بودندن؛ اگر گاهی به نقش روایاتی می‌پردازد که خارج در اقدامات خان دیگر نوع شیوه
اعتقادی و قدرتی بوهمان و ابره، می‌نویسد (ع)؛ بر همین منابع میان آنان و اهل جمل و صفتین
تقات آمیزه‌ای شدند. صاحب جوهر در یکین با یک داعی که می‌پذیرد اهل جمل و صفتین
از باغیان بوهمان، در حالی که شیوه‌های نداشتند. یحیی را به یکین می‌آورد. اگر در عین
حال می‌پذیرد که به توجه به سبیله‌ای ابره‌ای (ع) ارسال باغیان پیش از چنگیدن با
آن برآمد است؟

این گفته صاحب جوهر که اهل جمل و صفتی شیوه‌های نداشتند، درست به نظر
نیست. البته فرض که سرای جمل و صفتی چنین بوهمان، توده مردمی که زیر تأثیر تبلیغات
قرار داشته‌اند، چنین بوهمان به علاوه تقات آمیزه‌ای میان اهل جمل و صفتین از یکین و
خارج و جوهر، است. به همین دلیل این است که آنان ذکر کنند. به یکین بقات آمیزه‌ای میان
ان نبیند. اگر بقات آمیزه‌ای میان بقات آمیزه‌ای میان بقات آمیزه‌ای میان باشد و یا یکین به یکین
شیوه بقات آمیزه‌ای میان بقات آمیزه‌ای میان بقات آمیزه‌ای میان از طرف امام (ع) و ارسال و مؤمن و
احتجاج با آنها چه سا
لت بود. در روایت سکونان از امام (ع) ولیعصر، امام (ع) گفته است: «در محضر علی (ع) نام جوهری به من
آمد؛ امام (ع) فرود و تفرقه آماده یا جامعه طلایی کردند. اما اگر بر امام
جامع، خویش کردند با آنها یا جامعه، چه آنها در این باره رأی و نظری دارید؟»

چگونه موارد اعتبار عقلی بر چنین شرطی دالتن روشی دارد. نمی‌توان کسی را که
برای راهنی و راهیان مه‌مرد دست به سلاح می‌برد. یا کسی که به علت شیوه‌های فکری
و اعتقادی قیام مسلحانه می‌کند، یکین، امری، برخی از منابع قلم‌پیش بی‌سر از ذکر
احکام بدن، محارب را کسی تعیین می‌کند که قصد بقات آمیزه‌ای میان مردم مردم دارد و به این منظور
سلاح پسند.؟ این نشان می‌دهد که این ذهنیت وجود داشته است که این‌گونه می‌باشد در
به نوع جرم ارث‌کبک موثرند. به علاوه دستور نیست که شرط آهل ریهاب و قباد بودن در مورد
محارب سپر جنگ با شرطی پیش و هماهنگ با آن برای بین همیشه شرطی بوده.

با این حال یکی از قطعیات معاصر اصرار کرده است که پیش‌بینی عنصر تاویل برای تحقق
بیش در دماهی گوناگون اهل سنت به این انگیزه بوده است که معیارانی امام علی (ع) در

1. نعمت‌الله، بیشن، جلد۱، ص۷۳۳.
2. نعمت‌الله. 
3. محمد بن الحسن الطوسی، تحریر الأخبار، جلد۳، اثر ۲، شماره ۵۶-۲۰۰۰-۱۳۶۵، روزات، ص۳۷.
4. الفلاسفة، زمانه، ص۳۹۷-۴۸۸.
بی‌تردید نظریه بسیاری از علمای حقوق بشر معتقدند که جنگ‌های جمل، به‌وسیله قوانین صلح، برای ضمان امنیت ملت‌ها و توافق‌نوازی بین کشورها شکل گرفته باشد.

۴. دنیس سزارو، "کنی و دیدگاه‌های حقوق بشر در اجتماعات معاصر"، ۲۰۰۵، صفحه ۱۰۸-۱۱۹.

۵. محمد رضا شکری، "حقوق بشر و توافق‌نوازی بین کشورها"، ۱۳۴۴، صفحه ۲۱۰.

۶. حامد مهدوی، "کنی و دیدگاه‌های حقوق بشر در اجتماعات معاصر"، ۱۳۴۴، صفحه ۲۱۰.
می‌مولاً ب‌این استدلال ابراز وارد آمد که لدیه وجوه قصاص و لوز جیران خسارت ناشی از اثاثگانش، غایه است. به‌علاوه، عدم تطمین‌می‌باشد در روابط و گزارش‌های تاریخی در این باره نباید عدم ضمان دلایلی نیست. اما با توجه داشتکه اگر مطالعه‌ای خسارت از طرف زیران دیدگاه منی با جانی درخواست شده بود و امام علی(ع) حکم به ضمان جانیان کرد بودند، در تاريخ تبیین می‌شد، بلکه باید برخی روابط امام علی(ع) پس از چنین جمل اعلام فرموده است: "هر کس در خانه‌اش را بپندد و سالشلاچ را به رضایت بیفکند، اینم است". ظاهر احتمال‌های این امان که است که آفراد در عنوان جنایتهایی که وارد اورده‌اند، موافقند نخواهند شد.

به علاوه وقتی هدف نهایی از واداشتن به‌غیاری، تسلم به حامی بر حق است، سخن گفت که تنظیم‌های مدنی و جنایی بار جنگی در حال صلح‌گرایان و صلح‌سازی که باهم آیه شریفه است، جنایات کاری ندارد؛ چه این امر ممکن است حوزه به نماز و مناقصات جنیای را بگشاشد. اگر آیه نهم سخره حجاران مستند عزم غیب و هرگونه موافقه با آنها داشته، درست است که آیه در ادامه از عدادت سخن می‌گوید و عادت چه ساؤز مسئولیت در عادات به‌پایداهای کار انسان را ایجاد نمی‌نماید؛ اما عادات مطبل خواردن در این مورد عادات متبرک به صلح است.

فلز نمی‌تواند: میان دو جنگ به عدالت صلح برقرار کنم: "آفلچرا یک‌همشی با عدل و آفراد در عدالت صلح‌جویانه مراتبی از گشتن و شفاهی از هم‌کم‌کاری را می‌پذیرد. با قواعد انفعال‌نام‌بندی مدنی و جزایی هم‌جهویه سازی انسانی است. نصارة که در شکست که میان آنها جنگی بوده است، صلح کنند؛ ولی پس از آن بخواهند هر چه که دیگری را کشته است، صلح‌جویانه نماید. این خود برآوردوکن ره چه قدر نه چه کار انسان.

به‌و حال دریافت چنین‌این مسئال هر که توانایی دیگری کیفیتی حتی در ذهنیت قطع‌مانی پیشین این اندازه وجود داشته است که منابع‌زایدیار

[۱] الجواد الكفلاني، مطلق، اسلامی، آیات، الاصول، جلد ۳، تحقیق: محمدحسین الکلبی (یزدی، مربوط، چاپ دوم، ۱۳۵۸).

[۲] محمدحسین الکلبی، مطلق، اسلامی، آیات، الاصول، جلد ۳، تحقیق: محمدحسین الکلبی (یزدی، مربوط، چاپ دوم، ۱۳۵۸).
تشنجگیری
شناختی جرم سياسی و تنظیم‌بندی‌های آدتی برابر مجرمان سياسی گامی است
برای اجرای بهتر عدلیت و برابری سلاحها در دو علل میان دولت و شهرنشین. از
چنین با اندازه‌اسلامی، شناختی جرم سياسی زمین‌زمین استیفاده حق نقد حاکمیت و انجام
وظیفه آمر به معروف و نهی از مکر است. حاکمیت سالم و هماهنگ نش (بررسی و
سایر عوامل مرتبط به آن را نکنی نمی‌کند که به شناختی جرم سياسی نیز
کمک می‌کند); زیرا این امر نه فقط استیفاده حق شهرنشین مخالف‌های اجرای وظیفه
اخلاقی-اسلامی با استیفاده حق شهرنشین این‌ها را تسهیل می‌کند، شناختی جرم
سیاسی به اندیشه‌خود حاکم در تضمن سلامت نظام سياسی هم مؤثر است. توجه به
تشفیهت اتفاق‌های از ارتباط جرم و سیاسی اجتماعی برهکنار دستکم بر خری مورد
نمونه تبیین نمی‌تواند در بگیرید: بی‌آن اتفاق‌هدایت جم و سیاسی اجتماعی
برای سیاسی اجتماعی دستکم بر خری مورد نمونه تبیین نمی‌تواند بگیرید: بی‌آن اتفاق‌هدایت
برای سیاسی اجتماعی دستکم بر خری مورد
نمونه تبیین نمی‌تواند بگیرید: بی‌آن اتفاق‌هدایت
برای سیاسی اجتماعی دستکم بر خری

دلال استواری وجود ندارد تا برای آن ها شناختی جرم سياسی به قلمرو جرایم تعزیری
محدود شود، شماری از جرایم که در تلقی راج، حد قلمداد می‌شوند، به لطافهٔ طبع و
ماهیت خود من به توانسته این‌گونه سیاسی ارتكاب باید. در واکنش به این نوع جرایم
تعاونی با جرایم برهکنار شرور می‌تواند. واکنش‌های متوقفی پیش‌بینی کرد. تفاوت در
کیفیت اجرای مجازات، برای نمونه متناوب بودن وضعیت و شرایط نبیع که به انگیزه

سیاسی مرتکب محاربه خیفیده، شده با کمک که از طرف شرارت و نهادگری مرتکب این جرم
شد، تغییر در اصل اجراه نیست؛ بلکه تغییر در کیفیت اجرایش. مشاهده شد که حتی
بنا بر رایان، به‌هرکار از نوع اصولاً محارب محسوب نمی‌شود. اما یا حاکمیت صالحی
که ضایعی اجراه مجازات‌ها به نام دین را داشته باشد، آن‌ها متعلق به این ندای اخبار
در تغییر جند و جوئن اجراه مجازات‌ها داشته باشد؛ و گرنه اجراه جندود به تنگناهای جدی
رویابو خواهد شد.

حتی در مورد تغییر کیفیتی حادثه، حداقل دریل باید عدم جوانی تغییری، تمکین
به اطاقبادانی است که به طور مطلق، مجازات علنی را باید برخی جرایم در هر حال
و با قطعت نظر از نوع انگیزه مرتکب تبعین می‌کند. در صحت تمکین به چنین اطاقبایی ترکیبی
می‌توان کرد؛ به اغلب احتمال، نصوص ناظر به تبعین مجازات‌های حادثه از این جهت در
مقام بیان دوستداشت باید انجام مجازات مقدر و معنی در هر حواله توان به اطاقبایی اینها
تمکین می‌نمود.

افزون بر این، به سختی می‌توان تذکرگر که مبانی شرعتی، مقوله جرم سیاسی به معنای
امروزی آن را که امروز عقلانی و محصول تجربه‌بخشی و خرد جمعی است، در قلمرو
تعیینات بی‌دیده، اما در حدود آن را به گلی نفى کند. پذیرش و عدم پذیرش مقوله جرم
سیاسی بیشتر به طبع و ماهیت جرایم بارمردد، تا تأثیر یا منفی بهوند کیفی اینها. همیشه
جرایم حادثه هر یک از همه جرایم تعزیزی باهمی‌خیزش نیستند تا با استناد به اهمیت و شدت
جرایم حادثه، آنها را به گلی از شمول عقیده جرم سیاسی خارج نپذیرفته.

تلفیق مبانی و محاسبه‌خود، بنیادی سیاسی دارد. هنگام که تحکید محاربه بهخود
راه‌نی و سرقت مسلمانه آن کودکی که برخی قبیله‌ها، احمد با محدود کردند آن را به‌هال ریه
و ساده به شرحی که شماری دیگر از قبیله‌ها، سلطانیه و معارضیت
سیاسی، تلفیقی مبنی بر بنیاد سیاسی داشته‌اند، وقتی در تمامی سیاستی در
تمسیم نظم حکم، تعزیز کودکی نقش داشته‌است و حتی با کودکی مختلف شورش با اقدام
ملت‌سازی برخوردهای متفاوت برای برخی شده، چگونه می‌توان گفت که جرم مستوجب حکم به
همه روی می‌تواند سیاسی باشد؟

با گذر زمان، تلقی‌ها و دست‌نگیری‌های عقلانی از مقولات اجتماعی تغییراتی می‌شود. این
دقت‌ها، تلفیق‌ها و دست‌نمایی‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. در جریان و روان‌پیوند با معارضه
سیاسی با حاکمیت صالح نیز می‌توان گونه‌ها و طیف‌هایی از واکنش‌ها را یافته‌ای نمود. راه
مقابلن با معارضه و تلقی، شورش‌های قبیله‌ای در برخی محاسبات، مفسد و باعث قلمداد
کردن آنها و پیش‌بینی کیفر اعدام برای آنها نیست. اعدام، آخرین سالامی است که در مورد
کاملاً نادر و استثنایی به کار گرفته می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) هم، خود با دسته‌ها مختلف شورشیان مسلح برخورد و تفاوت داشته و هم دیگران را به این مطلب توصیه در مورد است. با علاوه بر این تفاوت گذشته میان کارهایی که برای توافق شورش با گیرد، با اقداماتی که جنبه سزای و مجازات دارد، اگر ق료ی مجدداً توان با دقیقاً پس از تاکرای دعوت آنها به اصلاح سخت‌نمایی، به معنا است نیست که کمر در برای این که در صحن جنگ و در گزیدری می‌توان آملی به راک در حال کشتن گناهان و اهل حوال کنست، به معنا است نیست که کمر در برای یک مرتبی مداخله در جرم ضرورتی اعدام است.

پژوهش‌دبیرگری امکان یا عدم امکان جرم سیاسی در جرایم مستوجب قصاص فرضت درکی را می‌طلبد. اگر نظری استدلال‌ها ای از این است که در مورد حدود را بتوان به دردناک مستوجب قصاص نیز تعمیم داد، در قوانین دادگاه تعلیق همه به یک‌بازی از اثر عقلایی جرم سیاسی در این دست جواب را نیز پذیرفت. آن‌گاه که با انگیزه‌های سیاسی صورت می‌گیرد، دیده می‌شود که در دیوان بخشی از ملی، می‌تواند تا میان حکم قتل‌های سورت گرفته در جرایم بی‌پای قتل‌های صورت گرفته در مجازات یا محرومیت کامل شناختی تفاوت ظبااختن؛ این فتوای قابل تأمل به نوعی بر امکان سیاسی بودن تلف مال و جان نظر داشته است.

منابع فارسی

1. ابیدی، مصطفی، مفهوم جرم سیاسی در غرب، در: ریس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی، به کوشش حسن مهری‌پور، تهران، مؤسسه اطلاعات (۱۳۴۲)، صفحات ۷۱۳-۷۴۶.
2. استفانی، کاپستون و دیگران، حقوق جوایز عمومی و اختیار کننده حسین داداشی، تهران، انتشارات عالی طبیعتی، ۱۳۷۷.
3. ابن‌الدنسی، علی بن احمد ابن حمزه، التحریر، جلد ۱، تهران، نشر انتشارات چپ، نشر شرکت، ۱۳۷۰.
4. ابن‌الدنسی، مهدی بن محمد بن محمد بن محمد بن عمرو ابن‌الدنسی، التحریر، نشر شرکت، ۱۳۸۲.
جمر سياسى و تقسيمئى: حد - تعزيز

9. النجاح, أبوالصالح (أثري الدين), الكافي في القوة, اتصالات, بيتبع: إمیر، مؤسسة ناجح في مقدمات التعليم, جلد 16, ق. 1430
10. الحلى (عامة), حسن بن يساف بن الحسن, مختارات الشيعة, في أحياء الشيعة, جلد 9, في: مؤسسة بورستان كتب, تهران, 1363 ق.
11. الحلى, محمد بن أدرس, السيرات الحواشي, تحرير الغناء, جلد 3, في: مؤسسةنشر الإسلام, تهران, 1360 ق.
12. الحلى, يمنى بن سعيد, الحفظة للنشرات, دار الأصول, تهران, 1406 ق.
13. الحلى (عامة), حسن بن يساف بن الحسن, تكلم، منهج العلماء, جلد 3, في: مكتبة الإسلام, 1341 ق.
15. السيرى, مطاوع بن عبد الله, كر الله في حق الغناء, جلد 3, تهران: المكتب المرتضوي, 1382 ق.
17. الطريصي, عباس بن منجى بن ثابت, المطبعة, جلد 3, تهران: مؤسسةنشر الإسلام, 1406 ق.
18. الطويسي, محمد بن الحسن, تدقيق الأحكام, جلد 4, تهران: دائرة الكتب الإسلايمية, 1386 ق.
19. الطويسي, محمد بن الحسن, المسبوع, جلد 7, تهران: المكتب المرتضوي, 1378 ق.
20. الطويسي, محمد بن الحسن, المسبوع, تدقيق الأحكام, جلد 4, تهران: دائرة الكتب الإسلايمية, 1386 ق.
21. الكاظمی, الجوانب, مسائل, الجوانب, جلد 10, إثبات الأحكام, جلد 2, تحقيق: سيد محمدتقی الكشافی, تهران.
22. المصادر, على بن حبيب, الأخلاق السلطانية, جلد 3, في: مكتب الإسلام, تهران.
23. الموسى الاردينلى, سید عباظی کرمی, فقه الحدود وال расчетات, جلد 8, في: جامع المقيد, تهران, 1405 ق.
24. الموسى, على بن الحسن (سید عیاسی), الاذکار في علم الكلام, في: مؤسسةنشر الإسلام, تهران, 1420 ق.
25. الموسى, محمد بن الرضوی (سید عیاسی), نهج الذاکر, تحقيق: سید محمدتقی الدعای, جلد 1, تهران, 1415 ق.
26. النجاح, محمدحسن, قانون الإسلام, جلد 21, بریوت, شرح: تدیرات البلد, تهران, 1381 ق.
27. زراعت, عباس, تحریر الإسلام, دریس, 1367 ق.


http://rc.majlis.ir/fa/legal_draft?from_ntc_date=1392/06/31&to_ntc_date=1392/06/31